



Research Article

Feasibility of Establishing a Clear Boundary Between Political Opponents and Armed Opposition: Emphasizing the Rejection of the Political Sanitization of Terrorism in the Syrian Tahrir al-Sham Model

Seyed Mohammadreza Mousavifard^{1*}, Farshid Bahador², Roghayeh Mehri³

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2. PhD student in Political Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

3. Master of Fiqh and Basics of Islamic, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Article history:

Received: 25/09/2024

Accepted: 12/01/2025

Abstract

In the contemporary Middle East, we observe a dangerous phenomenon that, whether intentional or unintentional, poses a serious threat to global democracy. This phenomenon involves the legitimization of terrorist groups and their redefinition as "political opponents," a process referred to as the "political sanitization of terrorism." This study, employing a descriptive-analytical approach and utilizing documentary and library research methods, seeks to answer the question of whether, in contemporary circumstances, a clear boundary can be drawn between political opponents and terrorist groups, some of which have even attained power. The findings indicate that major powers and regional actors define terrorism and political opposition differently, depending on their strategic interests. In the case of the Syrian Tahrir al-Sham model, the shift in U.S. policies toward Abu Mohammad al-Jolani, the leader of the group, serves as a clear example of the political sanitization of terrorism. The results of this study emphasize the necessity of preventing such a phenomenon at both the international and regional levels. To achieve this, a clear definition of concepts such as terrorism and political opposition must be established, accompanied by binding international enforcement mechanisms. Additionally, support for legitimate political opposition groups that adhere to peaceful approaches should be reinforced.

Keywords: Terrorism, Political Opposition, Sanitization, Political Legitimacy, Global Powers

Please cite this article as:

Mousavifard, S.M., Bahador, F., Mehri, R. (2024). Feasibility of Establishing a Clear Boundary Between Political Opponents and Armed Opposition: Emphasizing the Rejection of the Political Sanitization of Terrorism in the Syrian Tahrir al-Sham Model. *Journal of Asian Regional Order Studies*, 2 (1). 113-140.

* Corresponding author: E-mail address: mousavifard136394@gmail.com



امکان‌سنجی مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح؛ با تأکید مدل تحریرالشام

سوریه

سیدمحمد رضا موسوی فرد^{۱*}، فرشید بهادر^۲، رقیه مهری^۳

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۳. کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

اطلاعات مقاله

چکیده

در دنیای معاصر، به‌ویژه در خاورمیانه، ما شاهد پدیده‌ای خطرناک هستیم که به‌طور خواسته یا ناخواسته، تهدیدی جدی برای دموکراسی در جهان محسوب می‌شود. این پدیده، نوعی مشروعیت‌بخشی به گروه‌های تروریستی و بازتعریف آن‌ها در قالب «مخالفان سیاسی» است که از آن به‌عنوان «تطهیر سیاسی تروریسم» یاد می‌شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا در شرایط معاصر می‌توان میان مخالفان سیاسی و گروه‌های تروریستی که بعضاً به قدرت نیز رسیده‌اند، مرزبندی روشنی قائل شد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای، بسته به منافع خود، تعاریف متغیری از تروریسم و مخالفت سیاسی ارائه می‌دهند. در مدل تحریرالشام سوریه، چرخش سیاست‌های ایالات‌متحده نسبت به ابو محمد الجولانی، رهبر این گروه، نمونه‌ای آشکار از تطهیر سیاسی تروریسم محسوب می‌شود. نتایج این تحقیق تأکید دارد که برای جلوگیری از چنین پدیده‌ای در سطح سیستم بین‌الملل و منطقه، لازم است. تعریف شفاف مفاهیم مانند تروریسم و مخالفت سیاسی همراه با ضمانت‌های اجرایی بین‌المللی ارائه شود. حمایت از مخالفان سیاسی مشروع و دارای رویکرد مسالمت‌آمیز تقویت شود. سازوکارهای همکاری بین‌المللی صرفاً در چارچوب سازمان ملل متحد تنظیم شود تا از مداخلات سیاسی و برخوردهای دوگانه اجتناب شود.

واژگان کلیدی: تروریسم، مخالفان سیاسی، تطهیر سیاسی، قدرت‌های بزرگ

استناد به این مقاله:

موسوی فرد، سیدمحمد رضا؛ بهادر، فرشید؛ مهری، رقیه (۱۴۰۳). امکان‌سنجی مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح؛ با تأکید مدل تحریرالشام سوریه. *پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا*. ۲. (۱). ۱۴۰-۱۱۳.

* نویسنده مسئول:

سرآغاز

در جوامع امروزی، تفکیک میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح یکی از چالش‌های اساسی در حوزه امنیت ملی، حقوق بشر و مشروعیت حکومت‌ها محسوب می‌شود. مخالفان سیاسی، در چارچوب قوانین داخلی و بین‌المللی، از روش‌های مسالمت‌آمیز برای بیان انتقادهای خود و مطالبه تغییرهای سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کنند. این ابزارها شامل اعتراض‌های مدنی، فعالیت‌های حزبی، رسانه‌ای و دیپلماتیک است. در مقابل، معارضین مسلح به خشونت، اقدام‌های تروریستی و درگیری‌های نظامی متوسل شده و امنیت عمومی و نظم اجتماعی را تهدید می‌کنند. تشخیص صحیح این دو گروه اهمیت زیادی دارد، زیرا عدم تمایز میان آن‌ها می‌تواند پیامدهای سیاسی، حقوقی و امنیتی خطرناکی در پی داشته باشد.

در برخی موارد، حکومت‌ها با بهره‌گیری از مفاهیم امنیتی، مخالفان سیاسی را به‌عنوان معارضین مسلح معرفی کرده و سرکوب آن‌ها را توجیه می‌کنند. این رویکرد باعث محدودیت آزادی‌های مدنی و سیاسی شده و مشروعیت نهادهای حاکم را زیر سؤال می‌برد. از سوی دیگر، برخی گروه‌های سیاسی و رسانه‌ها، با استفاده از گفتمان ایدئولوژیک و مصلحت‌گرایانه، تلاش می‌کنند اقدام‌های گروه‌های مسلح را مشروع جلوه دهند. این وضعیت به یک معضل جدی در روابط بین‌الملل تبدیل شده است، زیرا برخی از گروه‌های مسلح با حمایت سیاسی و مالی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، مشروعیت پیدا کرده و حتی در ساختارهای حکومتی نفوذ می‌کنند.

مدل تحریرالاشام در سوریه یکی از نمونه‌های بارز این چالش است که در سال‌های اخیر، به دلیل پیچیدگی در ماهیت آن، محل بحث و تحلیل بسیاری از پژوهشگران شده است. این گروه که در ابتدا با ایدئولوژی جهادی ظهور کرد، به مرور زمان تلاش کرده است تا خود را از گروه‌های تروریستی متمایز نشان داده و به‌عنوان یک جریان سیاسی مشروع مطرح شود. چنین تحولی نشان می‌دهد که مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح نه تنها از لحاظ نظری، بلکه در عرصه عمل نیز بسیار دشوار و چالش‌برانگیز است.

این پژوهش با تأکید بر نفی تظہیر سیاسی تروریسم، در پی ارائه معیارهایی برای تمایز عادلانه و علمی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح است. این معیارها شامل بررسی

اهداف، ابزارها، روش‌های مبارزه، میزان پایبندی به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر و نقش خشونت در تحقق اهداف سیاسی است. علاوه بر این، مقاله حاضر به تحلیل پیامدهای ناشی از عدم تشخیص صحیح این مرزها پرداخته و راهکارهایی برای جلوگیری از سوءاستفاده سیاسی از این مفاهیم ارائه خواهد کرد.

با توجه به تحولات معاصر و پیچیدگی‌های مفهومی در تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح، آیا امکان تعیین مرز مشخصی میان این دو گروه وجود دارد، یا آنکه قدرت‌های سیاسی، بسته به منافع خود، تعاریف متفاوتی ارائه داده و حتی در مواردی از تطهیر سیاسی تروریسم حمایت می‌کنند؟

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه تجربی این پژوهش به بررسی مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح، تطهیر رسانه‌ای تروریسم و نقش سیاست‌های بین‌المللی در تغییر ماهیت گروه‌های مسلح پرداخته است. در این راستا، مطالعات متعددی انجام شده که یافته‌های آن‌ها می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری و تجربی پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گیرد.

الف. نقش دولت‌ها در تعریف و بازنمایی گروه‌های معارض

یکی از چالش‌های اصلی در تفکیک میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح، نقش دولت‌ها در تعریف و بازنمایی این گروه‌ها بر اساس منافع خود است. بواس، اوسلند و ارستاد (۲۰۱۹) پژوهش نشان می‌دهند که دولت‌ها به‌طور استراتژیک از برجسب «تروریست» یا «اپوزیسیون مشروع» برای توجیه سیاست‌های داخلی و بین‌المللی خود استفاده می‌کنند. این مطالعه با بررسی سیاست‌های کشورهای خاورمیانه نشان داده است که برخی حکومت‌ها، جنبش‌های مقاومت مسالمت‌آمیز را به‌عنوان گروه‌های تروریستی معرفی می‌کنند، در حالی که برخی گروه‌های مسلح، بسته به ملاحظات سیاسی، به‌عنوان نیروهای مشروع معرفی می‌شوند. این پژوهش تأکید دارد که تعریف تروریسم ثابت نیست و بر اساس منافع سیاسی تغییر می‌کند.

ب. مطالعه موردی تحریرالشام و مشروعیت بخشی به گروه‌های مسلح

الکثیر (۲۰۲۱) به‌طور خاص تحریرالشام را به‌عنوان یک نمونه مطالعاتی از گروهی که از یک سازمان جهادی به یک بازیگر سیاسی مشروع تبدیل شده است، مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه نشان می‌دهد که تحریرالشام با تغییر راهبردهای ایدئولوژیک و سیاسی خود، تلاش کرده است تا از برجسب تروریستی فاصله گرفته و به‌عنوان یک نیروی سیاسی و حکومتی مشروع در سوریه شناخته شود. این پژوهش بر انعطاف‌پذیری مفهوم تروریسم و توانایی گروه‌های مسلح در تغییر تصویر خود تأکید دارد.

ج. تطهیر رسانه‌های گروه‌های مسلح و تأثیر آن بر افکار عمومی

یوسف و حسن (۲۰۱۳) به نقش رسانه‌های بین‌المللی در تغییر تصویر گروه‌های معارض مسلح پرداخته است. نویسندگان نشان داده‌اند که برخی رسانه‌های غربی، با اتخاذ سیاست‌های دوگانه، برخی گروه‌های مسلح را به‌عنوان نیروهای انقلابی مشروع معرفی کرده و برخی دیگر را تروریست قلمداد کرده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که یک گروه می‌تواند هم‌زمان در یک رسانه «مبارز آزادی‌خواه» و در رسانه‌ای دیگر «تروریست افراطی» معرفی شود. این پژوهش تأکید دارد که رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهای قدرت، در فرآیند مشروع‌سازی و تطهیر برخی گروه‌های مسلح نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

د. تأثیر سیاست‌های بین‌المللی بر تغییر ماهیت گروه‌های معارض

اسلیش و شنکندر (۲۰۱۵) به بررسی چگونگی تأثیر سیاست‌های بین‌المللی بر مشروعیت‌بخشی به گروه‌های مسلح پرداخته است. این پژوهش نشان داده که برخی گروه‌های مسلح با دریافت حمایت مالی و نظامی از قدرت‌های خارجی، از فهرست گروه‌های تروریستی خارج شده و در ساختارهای حکومتی کشورها ادغام شده‌اند. همچنین، نمونه‌هایی از گروه‌های معارض در خاورمیانه و آفریقا ارائه شده که نشان می‌دهد بازیگران بین‌المللی چگونه از سیاست‌های دوگانه در قبال گروه‌های مسلح استفاده می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد که تعاریف تروریسم و مبارزه مسلحانه تحت تأثیر سیاست‌های بین‌المللی تغییر می‌کند و این امر می‌تواند مشروعیت برخی گروه‌ها را دگرگون سازد.

ر. تحلیل پیامدهای عدم تفکیک دقیق میان مخالفان سیاسی و گروه‌های مسلح

فیلیپس (۲۰۱۵) به بررسی پیامدهای عدم تفکیک صحیح میان گروه‌های مخالف سیاسی و معارضین مسلح پرداخته است. این مطالعه بر اساس مطالعات موردی در مصر، ترکیه و سوریه نشان داده که نبود معیارهای شفاف برای تمایز میان این دو گروه، باعث سرکوب ناعادلانه مخالفان در برخی کشورها و تقویت گروه‌های افراط‌گرا در برخی دیگر شده است. این پژوهش تأکید دارد که سیاست‌های دوگانه در تعریف تروریسم و معارضه سیاسی، نه تنها مانع از خشونت‌گرایی نشده، بلکه موجب گسترش نارضایتی‌های اجتماعی و رادیکالیسم شده است.

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که تعریف تروریسم و مخالفت سیاسی، به شدت تحت تأثیر منافع دولت‌ها، سیاست‌های بین‌المللی و پوشش رسانه‌ای قرار دارد. برخی گروه‌های مسلح از جمله تحریرالشام، توانسته‌اند با تغییر استراتژی‌های خود، از برجسب تروریستی فاصله بگیرند و به‌عنوان یک بازیگر سیاسی مشروع معرفی شوند. سیاست‌های رسانه‌ای و بین‌المللی نقش بسزایی در مشروعیت بخشی یا تقبیح گروه‌های معارض ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر در تلاش است با ارائه معیارهای علمی و عملی، مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح را تبیین کرده و از تطهیر سیاسی تروریسم جلوگیری کند.

۲. چارچوب مفهومی

یکی از چالش‌های مهم در حوزه امنیت بین‌الملل، حقوق بشر و روابط بین‌الملل، مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح است. در برخی موارد، گروه‌های معارض با اتخاذ استراتژی‌های رسانه‌ای، دیپلماتیک و سازمانی، تلاش کرده‌اند با تغییر تصویر خود، از برجسب تروریستی فاصله بگیرند و به‌عنوان بازیگران سیاسی مشروع شناخته شوند (Bøås, Osland, & Erstad, 2019). تحریرالشام در سوریه نمونه‌ای از این فرآیند است که با تغییر رویکردهای سیاسی و تبلیغاتی، سعی در مشروعیت بخشی به خود داشته است (Al Kassir, 2021). این پژوهش، چارچوبی مفهومی برای تمایز میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح ارائه می‌دهد و تلاش دارد فرآیند تطهیر سیاسی تروریسم را در مدل تحریرالشام سوریه بررسی کند. در این پژوهش، سه نظریه کلیدی به‌عنوان مبنای تحلیل مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح و بررسی فرآیند تطهیر سیاسی تروریسم در

مدل تحریرالاشام سوریه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این نظریه‌ها شامل نظریه مشروعیت سیاسی، نظریه رسانه و بازنمایی تروریسم و نظریه بازیگران غیردولتی در نظام بین‌الملل هستند. در ادامه، هر یک از این نظریه‌ها به تفصیل بررسی خواهند شد.

الف. نظریه مشروعیت سیاسی^۱ بیان می‌کند که هر نظام سیاسی، گروه یا سازمانی، تنها زمانی می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر مشروع شناخته شود که از سوی مردم، نهادهای داخلی و جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شود (Beetham, 2013). این نظریه بر سه رکن اصلی تأکید دارد:

- مشروعیت قانونی: ^۲ پایبندی به قوانین ملی و بین‌المللی برای کسب اعتبار.
- مشروعیت اجتماعی: ^۳ پذیرش از سوی جامعه و پیروی مردم از گروه‌های سیاسی.
- مشروعیت هنجاری: ^۴ رعایت اصول اخلاقی، حقوق بشر و ارزش‌های بین‌المللی.

تحریرالاشام از طریق اقدام‌های سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای، در تلاش بوده است تا از یک گروه جهادی به یک نیروی حکومتی مشروع تبدیل شود. این گروه با ارائه خدمات اجتماعی، ایجاد نهادهای حکومتی و جدا شدن از القاعده، تلاش کرده است تا مشروعیت اجتماعی و هنجاری خود را تقویت کند (Al Kassir, 2021). نهادهای بین‌المللی و برخی کشورهای منطقه، بسته به منافع سیاسی خود، ممکن است مشروعیت این گروه را به رسمیت بشناسند یا آن را رد کنند (Phillips, 2024).

ب. نظریه قاب‌بندی رسانه‌ای^۵ توضیح می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از انتخاب واژگان، شیوه‌های ارائه اخبار و تأکید بر جنبه‌های خاص یک موضوع، ادراک عمومی را شکل دهند (Entman, 1993). این نظریه بر چهار محور اصلی تأکید دارد:

- انتخاب و حذف اطلاعات: برخی اطلاعات برجسته و برخی دیگر حذف می‌شوند.
- نحوه ارائه اطلاعات: استفاده از واژگان مثبت یا منفی در توصیف یک گروه یا واقعه.
- منبع اطلاعات: اینکه چه کسی اطلاعات را ارائه می‌دهد (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، خبرنگاران مستقل).

1. Political Legitimacy Theory
 2. Legal Legitimacy
 3. Social Legitimacy
 4. Normative Legitimacy
 5. Media Framing Theory

• تأثیر بر افکار عمومی: رسانه‌ها می‌توانند تصویر یک گروه را تغییر داده و حتی گروه‌های تروریستی را به‌عنوان بازیگران مشروع معرفی کنند.

برخی رسانه‌های بین‌المللی تحریرالشام را از یک سازمان جهادی به یک «نیروی اپوزیسیون میانه‌رو» تغییر داده‌اند (Yusof, Hassan, & Hassan, 2013). رسانه‌ها با برجسته‌سازی برخی اقدام‌های مثبت مانند خدمات اجتماعی تحریرالشام، تلاش کرده‌اند تا این گروه را از سایر گروه‌های جهادی متمایز کنند (Altaweel, 2022). مطالعه موردی بر روی شبکه‌هایی مانند الجزیره، BBC و CNN نشان می‌دهد که بسته به سیاست خارجی کشورها، نحوه بازنمایی این گروه تغییر می‌کند (Phillips, 2024).

نظریه بازیگران غیردولتی در نظام بین‌الملل^۱ بیان می‌کند که علاوه بر دولت‌ها، بازیگران غیردولتی مانند گروه‌های شورشی، سازمان‌های تروریستی، نهادهای بشردوستانه و شرکت‌های چندملیتی می‌توانند نقش مؤثری در سیاست بین‌الملل ایفا کنند (Keohane & Nye, 1977). بازیگران غیردولتی در سه سطح فعالیت می‌کنند:

- سطح داخلی: کنترل بخش‌هایی از کشور و ایجاد حکومت‌های محلی.
 - سطح منطقه‌ای: تعامل با کشورهای همسایه و گروه‌های همسو.
 - سطح بین‌المللی: تلاش برای کسب مشروعیت و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی.
- تحریرالشام با ایجاد حکومتی محلی در ادلب، تلاش کرده است تا خود را به‌عنوان یک بازیگر سیاسی معرفی کند (Keser & Fakhoury, 2025).

این گروه با برقراری ارتباط با برخی بازیگران بین‌المللی، به دنبال خروج از فهرست گروه‌های تروریستی کسب مشروعیت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است (Phillips, 2024). در بسیاری از موارد، کشورهای غربی و منطقه‌ای، بر اساس منافع خود، از برخی بازیگران غیردولتی حمایت کرده و آن‌ها را به‌عنوان نیروهای مشروع معرفی می‌کنند (Schlichte & Schneckener, 2015).

۳. مفاهیم راهبردی

مخالفین سیاسی

مخالفت سیاسی به معنای ناسازگاری و اختلاف با حکومت‌ها و نهادهای سیاسی است. این مفهوم در جوامع مختلف و تحت نظام‌های سیاسی متفاوت، معانی و اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. مخالفت سیاسی در علوم سیاسی معادل اپوزیسیون است و به تلاش احزاب، گروه‌ها و افراد برای دستیابی به اهداف خود در برابر اهداف حاکمان اشاره دارد. این مخالفت می‌تواند به شکل‌های مختلفی از جمله قدرت‌طلبی، اصلاح‌طلبی و انقلابی‌گری بروز یابد؛ به عبارت دیگر مخالفین سیاسی به افرادی اطلاق می‌شود که نظرات، ایده‌ها، یا موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به حکومت یا نظام سیاسی موجود دارند. این مخالفین می‌توانند شامل جنبه‌های مختلفی از جمله احزاب سیاسی، گروه‌های اجتماعی، یا فعالان حقوق بشر باشند (Puryear et al, 2024).

تطهیر سیاسی

تطهیر سیاسی به معنای تلاش برای پاک‌سازی یا توجیه رفتارها و سیاست‌های یک رژیم یا گروه سیاسی است. این مفهوم معمولاً در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به کار می‌رود و می‌تواند شامل تلاش برای بهبود تصویر عمومی یک حکومت، توجیه اقدام‌های گذشته یا نادیده گرفتن جنایات و خطاهای تاریخی باشد.

تطهیر سیاسی می‌تواند ابزاری برای حفظ قدرت و مشروعیت یک رژیم باشد، اما همچنین می‌تواند منجر به نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی شود. این مفهوم در جوامع مختلف و تحت شرایط متفاوت مورد بحث قرار می‌گیرد و می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سیاست و جامعه داشته باشد. تطهیر کارگزاران، به‌عنوان یک پروژه تاریخی-رسانه‌ای مورد توجه مخالفان قرار گرفته و با مطالب زیادی این رویکرد، تولید و منتشر شده است. خدشه در ذهنیت تاریخی نسل امروز و آینده، ایجاد تردید در علل وقوع برخی انقلاب‌ها و نیز ناکارآمد جلوه دادن دولت‌های حاکم می‌تواند، از جمله نتایج پروژه تطهیر باشد (شاکری زواردهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۱).

۴. یافته‌های تحقیقاتی

۴-۱. تفاوت‌های سیاسی عدم اجماع تعریف تروریسم

تروریسم پدیده‌ای پیچیده‌ای است و تعاریف آن در زمینه‌های مختلف بسیار متفاوت است و ابعاد سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی را منعکس می‌کند. بسیاری از تعاریف تأکید می‌کنند که تروریسم در درجه اول یک عمل سیاسی است. تروریست‌ها اغلب به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی خاص، مانند خودمختاری، تغییر رژیم یا اهداف ایدئولوژیک هستند. این دیدگاه بیان می‌کند که تروریسم صرفاً خشونت تصادفی نیست، بلکه یک استراتژی حساب‌شده با هدف تأثیرگذاری بر نتایج سیاسی است. باید در نظر داشت دانشمندان سراسر جهان در هزارتوی اصطلاحات گرفتار شده‌اند و نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. در میان همه آن‌ها، قابل‌قبول‌ترین تعریف را یونا الکساندر ارائه کرده است. او تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «استفاده از خشونت علیه اهداف غیرنظامی تصادفی به منظور ارعاب یا ایجاد ترس فراگیر عمومی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی است». این تعریف دقیق است و اغلب توسط محققان نقل می‌شود، اما فاقد جنبه مهم تروریسم، یعنی ارتباط بین‌المللی است. تروریست‌ها نمی‌توانند بدون بودجه و امکانات زیربنایی که از ارتباطات بین‌المللی دریافت می‌کنند، وحشت ایجاد کنند (Prabha2000,online). از دیگر تعاریفی که با منشأ سیاسی به تروریسم نگاه می‌کند می‌توان به برخی از محققان اشاره کرد که تروریسم را در پرتو خشونت و زور توسط سازمان‌های دولتی تعریف می‌کنند. برای مثال، والتر لاکر، اعمال خشونت‌آمیز و سرکوبی را که توسط دولت علیه مردم خود انجام می‌شود به‌عنوان تروریسم تعریف می‌کند. در همین راستا، نیل لیوینگستون می‌گوید که دولت عامل اصلی تروریسم امروز است. با تأیید همین ایده، محققانی مانند جی مالین تروریسم را به‌عنوان جایگزینی برای جنگ آشکار تعریف می‌کنند. به قول خودش وقتی دیپلمات‌ها شکست می‌خورند، سربازان قدرت را به دست می‌گیرند، وقتی سربازان شکست می‌خورند، تروریست‌ها کنترل می‌شوند. نظر او در مورد تروریسم به‌عنوان جایگزینی برای جنگ یا به‌عنوان پیامد دیپلماسی شکست خورده مرتبط است؛ اما بیان اینکه تروریسم یک شکست نظامی است دور از واقعیت است. اغلب ما ناتوانی پلیس و نه سربازان

را در مقابله با تروریسم تجربه می‌کنیم. در واقع زمانی که دیپلمات‌ها، رهبران سیاسی و پلیس سربازان را برای مهار تروریسم بر عهده می‌گیرند. محققان و نهادهای سیاسی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. بیش از ۱۳۰ تعریف مستند شده است اما هیچ‌یک مورد قبول جامعه جهانی وجود ندارد. به عقیده برخی از اندیشمندان برای این اختلاف‌نظرها در حوزه تروریسم باید بیشتر به (علل ریشه‌ها) توجه کرد (Newman, 2006:794).

این عدم اجماع از ماهیت ذهنی این اصطلاح ناشی می‌شود که می‌تواند تحت تأثیر برنامه‌های سیاسی و زمینه‌های اجتماعی قرار گیرد. به‌عنوان مثال، آنچه یک گروه به‌عنوان تروریسم برچسب‌گذاری می‌کند، گروهی دیگر ممکن است به‌عنوان مقاومت مشروع یا مبارزه آزادی تلقی کنند. دولت‌ها اغلب تعریف تروریسم را برای تأمین منافع خود دست‌کاری می‌کنند. این می‌تواند شامل استفاده از این اصطلاح برای توجیه اقدام‌های سرکوبگرانه علیه مخالفان سیاسی یا جلب حمایت عمومی از اقدام‌های نظامی باشد؛ بنابراین، چارچوب‌بندی تروریسم می‌تواند به ابزاری برای منفعت سیاسی تبدیل شود و تلاش‌ها برای ایجاد یک تعریف روشن و عینی را پیچیده کند. علل سیاسی پشت تعاریف متعدد تروریسم منعکس‌کننده ترکیبی از اهداف، پویایی سازمانی و ابزار خشونت است. بحث‌های جاری در مورد تعریف آن بر اساس علائق سیاسی، زمینه‌های فرهنگی و پیچیدگی‌های ذاتی خود پدیده شکل می‌گیرد. یک تعریف جهانی مناسب مبهم باقی می‌ماند، زیرا سازمان‌ها، سازمان‌ها و سازمان‌های دولتی مختلف تعاریف متفاوتی را متناسب با نقش، هدف یا تعصب خاص خود دارند (Bruce, 2023).

تحقیقات در مورد علل تروریسم تمایل دارد بر روندهای گسترده در سطح ملی تمرکز کند بدون اینکه بررسی کند که چگونه چنین عواملی بر افراد و تمایل آن‌ها به خشونت سیاسی تأثیر می‌گذارد. در همین حال، تئوری‌های رادیکال‌سازی بیش‌مهمی در مورد چگونگی استقبال افراد از تروریسم به دست داده‌اند، اما این تحول در خلأ جدا از عوامل زمینه‌ای رخ نمی‌دهد؛ بنابراین می‌توان تلاشی برای ایجاد پل ارتباطی کلان‌خرد برای درک بهتر علل تروریسم است و بر سطوح طرد اجتماعی-سیاسی در یک کشور تمرکز دارد.

۴-۲. ضرورت تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح

با بازگشت به تعریفی که آمده است: مخالفان سیاسی افرادی هستند که به صورت مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون به بیان دیدگاه‌ها و انتقادات خود می‌پردازند، تفکیک آن‌ها از معارضین مسلح به معنای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، آزادی تجمع و آزادی مشارکت در فرآیندهای سیاسی است. سرکوب مخالفان سیاسی می‌تواند به نقض حقوق بشر و ایجاد فضای خفقان منجر شود؛ اما معارضین مسلح گروه‌هایی هستند که از ابزارهای خشونت‌آمیز برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. تفکیک این گروه‌ها از مخالفان سیاسی به حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی کمک می‌کند. اگر دولت نتواند این تفکیک را به درستی انجام دهد، ممکن است مخالفان سیاسی نیز به سمت خشونت سوق داده شوند و وضعیت امنیتی کشور را به خطر بیندازند.

تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح به مشروعیت نظام سیاسی کمک می‌کند. زمانی که دولت بتواند به درستی بین این دو گروه تمایز قائل شود، نشان‌دهنده تعهد آن به دموکراسی و حاکمیت قانون است. این امر می‌تواند اعتماد عمومی به نظام سیاسی را افزایش دهد. تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح به دولت اجازه می‌دهد تا به طور مؤثرتری با گروه‌های مسلح و تروریستی مبارزه کند. اگر دولت نتواند این تفکیک را انجام دهد، ممکن است منابع و انرژی خود را صرف سرکوب مخالفان سیاسی کند و از مبارزه واقعی با تهدیدات امنیتی غافل بماند. نوعاً سرکوب مخالفان سیاسی می‌تواند به افراطی‌گری و افزایش خشونت منجر شود. زمانی که فضای سیاسی بسته باشد و مخالفان نتوانند به صورت مسالمت‌آمیز دیدگاه‌های خود را بیان کنند، ممکن است به سمت روش‌های خشونت‌آمیز گرایش پیدا کنند. تفکیک این دو گروه به جلوگیری از این روند کمک می‌کند. مثلاً امتناع دولت بریتانیا از طبقه‌بندی داوطلبان ارتش جمهوری‌خواه ایرلند به‌عنوان مخالفان یا مبارزان سیاسی یکی از بحث‌هایی بود که در گذشته مطرح بوده است ولی دولت بریتانیا در عوض آن را به‌عنوان یک جرم عادی جرم‌انگاری کرد (Walker, 1984: 189).

تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح زمینه را برای گفت‌وگو و مصالحه فراهم می‌کند. دولت می‌تواند با مخالفان سیاسی وارد مذاکره شود و راه‌حل‌های سیاسی برای بحران‌ها پیدا کند، در حالی که با معارضین مسلح به صورت قاطع برخورد کند. تفکیک مخالفان سیاسی

از معارضین مسلح نه تنها یک ضرورت اخلاقی و حقوقی است، بلکه به ثبات سیاسی، امنیت و مشروعیت نظام سیاسی نیز کمک می‌کند. این تفکیک نیازمند تدوین قوانین شفاف، ایجاد نهادهای مستقل و تضمین آزادی‌های اساسی برای همه شهروندان است. نوعاً تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح یک موضوع کلیدی در علوم سیاسی، حقوق بین‌الملل و امنیت ملی است. این تفکیک نه تنها برای حفظ نظم و امنیت داخلی، بلکه برای تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شهروندان ضروری است. تحقیقاتی که انجام شده است نشان می‌دهد که حبس سیاسی، نتیجه مقاومت در برابر بی‌عدالتی است. این نشان می‌دهد که نیاز به تمایز واضح بین مخالفت سیاسی و اقدام‌های نظامی برای جلوگیری از سرکوب بیشتر و محافظت از کسانی که طرفدار تغییر هستند (Willmott, 2000: 312).

در برخی مواقع در منابع آمده است با این حال، چگونه تکه شدن درون دستگاه امنیتی می‌تواند منجر به فرار در طول قیام‌های بدون خشونت شود و نشان می‌دهد که یک ارتش تقسیم‌شده ممکن است کمتر منسجم و مستعد مواجهه با معترضان باشد. این بدان معناست که حفظ تمایز روشن بین مخالفان سیاسی و نیروهای مسلح^۱ می‌تواند وفاداری ارتش به رژیم را در زمان ناآرامی افزایش دهد (Lutscher et al, 2016: 350). مصداق آن را در تحولات معاصر اواخر سال ۲۰۲۴ و اوایل ژانویه ۲۰۲۵ در سقوط دولت بشار اسد در سوریه کاملاً دلالت داشته و مرتبط است.^۲

۳-۴. استفاده ابزاری دیگر کشورها از تروریسم

می‌توان در این بخش چنین ادعایی را مطرح کرد که استفاده ابزاری کشورها از گروه‌های تروریستی پدیده‌ای است که در طول تاریخ و به‌ویژه در دوران معاصر به کرات مشاهده شده

1. Distinction Between Political Opponents and The Armed Forces

۲. در برخی تحلیل‌های مرتبط چنین آمده است: فروپاشی ارتش فرصت‌هایی برای معارضان و گروه‌های مخالف فراهم کرد تا با تجهیزات و حمایت‌های انسانی بیشتری به فعالیت‌های خود ادامه دهند و مناطق جدیدی را تحت کنترل بگیرند. در سوریه با مداخله دیگر قدرت‌ها باعث تضعیف ارتش، این مداخلات نه تنها وضعیت را پیچیده‌تر کرد، بلکه به تأسیس گروه‌های جدید و تسلیحاتی برای مخالفان و حتی رژیم منجر شد (https://civilica.com/note/7724).

است. این اقدام معمولاً با اهداف سیاسی، امنیتی یا استراتژیک انجام می‌شود و می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، نقش مهمی در احیا و گسترش گروه‌های تروریستی ایفا کرده‌اند. به‌عنوان مثال، حمایت برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به‌عنوان منبع اصلی تفکر تکفیری و همچنین از گروه‌هایی مانند داعش و القاعده در مواقعی که منافعی را ایجاد کند، مورد انتقاد قرار گرفته است. مواقعی استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای تغییر توازن قدرت در یک منطقه مشخص و کاهش قدرت نفوذ برخی از کشورها می‌تواند باشد (War And Terrorism, 2023).

کشورهای قدرتمند در عین حال ثروتمند نیز به‌عنوان تأمین‌کنندگان مالی گروه‌های تروریستی شناخته می‌شوند. برای مثال، برخی از این کشورها به تأمین مالی داعش و دیگر گروه‌های مشابه پرداخته‌اند، در حالی که خود را در ردیف معتبرترین کشورها از نظر شفافیت مالی قرار داده‌اند. این تناقض در رفتار نشان‌دهنده استفاده ابزاری از سازوکارهای بین‌المللی برای پیشبرد اهداف سیاسی است. استفاده ابزاری کشورها از گروه‌های تروریستی نه تنها تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود، بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی‌های سیاست‌های بین‌المللی است. این مسئله نیازمند توجه جدی و همکاری جهانی برای مبارزه با تروریسم و جلوگیری از سوءاستفاده‌های سیاسی است. به ادبیات دیگری اگر بخواهیم تعبیر کنیم شاهد برخورد سیاسی کشورها و بعضاً استفاده ابزاری آن‌ها از گروه‌های تروریستی در منطقه هستیم (حیدری فرد و دیگران، ۱۴۰۰: ۹). به اعتقاد نگارنده، اهداف کشورها از استفاده ابزاری و مضافاً پیامدهای استفاده ابزاری به شکل ذیل است:



شکل ۱: اهداف استفاده ابزاری از تروریسم



شکل ۲: پیامدهای استفاده ابزاری از تروریسم

منبع: نگارنده

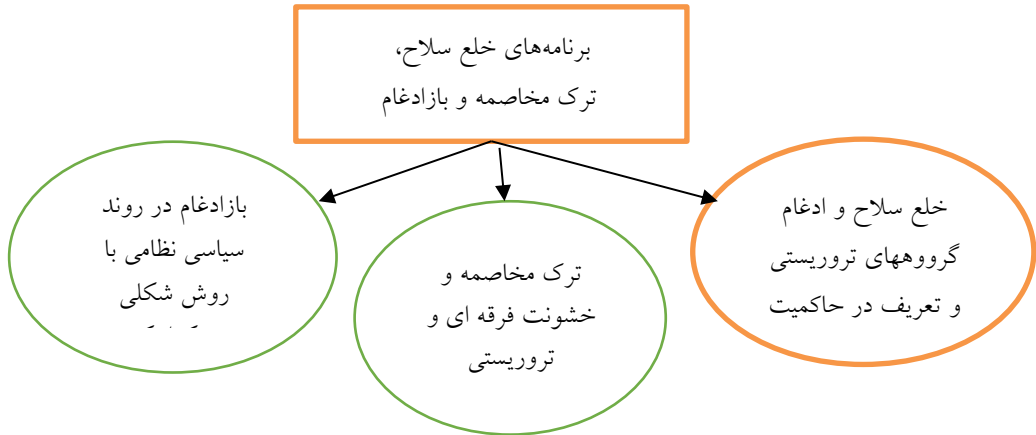
۴-۴. تطهیر گروه‌های تروریستی با روندهای دموکراتیک و روند سیاسی

آنچه در تحولات معاصر با رویکردهای منطقه خاورمیانه کاملاً مشهود است سیاست جدیدی است که قدرت‌های بزرگ به صورت خواسته یا ناخواسته به‌نوعی برای منطقه دیکته کرده‌اند و آن هم چیزی نیست جز اینکه گروه‌های تروریستی را در روند دموکراتیک وارد کنند و این امر به نوعی باعث تطهیر این گروه‌ها شود. تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط واضحی بین دموکراسی و کاهش تروریسم وجود ندارد. برخی معتقدند که دموکراتیزه کردن کشورها می‌تواند به کاهش تروریسم کمک کند، اما شواهد نشان می‌دهد که این فرضیه چندان قوی نیست. گروه‌های تروریستی مانند القاعده نه‌تنها برای مبارزه با دیکتاتوری‌ها بلکه برای تحمیل ایدئولوژی‌های خود می‌جنگند. هرچند این تغییر و تحولات در تطهیر تروریسم ناشی از عوامل فناوریانه و تبلیغات آن‌ها نیز است. در واقع تأثیر رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل این دگرگونی از اهمیت بسیاری برخوردار است (بیات، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

در واقع، اگرچه دموکراسی می‌تواند فضایی برای بیان نارضایتی‌ها فراهم کند، اما ممکن است گروه‌های افراطی از این فضا بهره‌برداری کنند تا اهداف خود را پیش ببرند؛ بنابراین، صرفاً ایجاد یک نظام دموکراتیک نمی‌تواند به‌تنهایی راه‌حلی برای مشکل تروریسم باشد. تطهیر گروه‌های تروریستی از طریق روندهای دموکراتیک نیازمند یک رویکرد جامع است که شامل توجه به

عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد. باید توجه داشت که تغییرات سیاسی بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن است نه تنها کمکی به کاهش تروریسم نکند، بلکه آن را تشدید کند. لذا نیازمند یک استراتژی متوازن هستیم که در آن حقوق بشر، عدالت اجتماعی و امنیت ملی در کنار هم قرار گیرند. برخی معتقدند که شروع جنگ داخلی شامل سازمان‌های تروریستی با نوع رژیم مشروط است. رژیم‌های دموکراتیک شرایطی را ایجاد می‌کنند که از شروع جنگ داخلی با مشارکت سازمان‌های تروریستی جلوگیری می‌کند، اگرچه رژیم‌های مشابه ممکن است در وهله اول فرصت‌هایی برای ظهور چنین گروه‌هایی فراهم کنند. با این حال، اثر آرام‌بخش دموکراسی بر حساب تصمیم‌گیری سازمان‌های تروریستی، از طریق مجموعه‌ای از نهادهای دموکراتیک واسطه می‌شود. نوعاً می‌توان مدعی شد رژیم‌های دموکراتیک به دلیل چارچوب‌های نهادی‌شان که شامل حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی می‌شود، عموماً احتمال جنگ داخلی با سازمان‌های تروریستی را کاهش می‌دهند (Ghatak, 2023:1).

البته نقطه مقابل نیز صدق می‌کند در برخی از مواقع، همین رژیم‌ها می‌توانند فرصت‌هایی برای تشکیل گروه‌های تروریستی ایجاد کنند، به‌ویژه زمانی که رقابت سیاسی بالاست. انگیزه اصلی حملات تروریستی در دموکراسی‌ها پویایی بین گروهی است (Chenoweth, 2010:16). گروه سومی وجود دارد که معتقدند تأثیر دموکراسی بر تروریسم بر اساس اهداف گروه‌های درگیر متفاوت است. آیا دموکراسی میزان تروریسم را افزایش می‌دهد یا کاهش می‌دهد؟ این سؤال بیش از سه دهه است که از پاسخ قطعی فرار کرده است. برخی از محققان تروریسم دریافته‌اند که دموکراسی، تروریسم را کاهش داده است؛ برخی دیگر که دموکراسی آن را تشویق کرده است؛ برخی دیگر که رابطه‌ای منحنی یا با تفاوت‌های ظریف‌تر بین این دو وجود دارد. باید دانست دامنه جاه‌طلبی و انگیزه اساسی است که این نوع بسیار متفاوت از جنبش‌های تروریستی (بنا به اهداف) را متمایز می‌کند (Hand & Saiya, 2022:1618)؛ اما ما در اینجا به طیف چهارمی از این دسته‌بندی معتقد هستیم که در آن با دخالت‌های خارجی خواسته یا ناخواسته همان‌طوری که ابتدا گفته شد ضمن تطهیر سازمان‌دهی شده این گروه‌ها آن‌ها را به روند سیاسی و رویکردهای دموکراتیک می‌کشاند تا به اهداف پشت پرده نائل شوند. معمولاً این روند در سه مرحله مختلف ذیل بازطراحی می‌شود.



شکل ۳: مراحل ادغام گروه‌های تروریستی در روند دموکراتیک

منبع: نگارنده

در مقابل، برخی معتقدند که مشارکت سیاسی گروه‌های تروریستی می‌تواند منجر به کاهش خشونت شود، همان‌طور که در مواردی دیده می‌شود که گروه‌ها برای حفظ مشروعیت در انتخابات شرکت می‌کنند (Heger, 2014:32). نمونه بارز آن را می‌توان در برخورد دوگانه آمریکا با جولانی رهبر تحریرالاشام در سوریه دانست. ابو محمد الجولانی، رهبر هیئت تحریرالاشام، طبق قوانین ایالات متحده از دیرباز به‌عنوان تروریست شناخته می‌شد. گروه او در سال ۲۰۱۸ به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی (FTO) طبقه‌بندی شد و او شخصاً از ماه می ۲۰۱۳ به‌عنوان یک تروریست جهانی معرفی و جایزه ۱۰ میلیون دلاری برای او تعیین شد (Denselow, 2017:498-500). در یک چرخش آشکار در دسامبر ۲۰۲۴، گفتگوهای بین مقام‌های ایالات متحده و نمایندگان هیئت تحریرالاشام منجر به این شد که ایالات متحده اعلام کند که دیگر جایزه ۱۰ میلیون دلاری الجولانی را دنبال نخواهد کرد. این تغییر به دنبال جلسه‌ای بود که در آن دیپلمات‌های آمریکایی به ثبات منطقه‌ای و بهبود اقتصادی سوریه ابراز علاقه کردند که نشان دهنده تغییر احتمالی در نحوه تعامل آمریکاست (Rabia İclal Turan, 2024, online). البته جالب اینجاست که این گروه در سال‌های قبل در ادبیات

اندیشمندان غربی به‌عنوان یک گروه کاملاً شورشی و تروریست مطرح بوده است (Drevon & Haenni, 2022:1). در حدوداً سال ۲۰۱۶ میلادی در منابع غربی آمده است، ابو محمد الجولانی، اعلام کرد که این سازمان در حال قطع روابط با القاعده و تشکیل یک سازمان جدید به نام جبهه فتح الشام است. نویسندگان این مقاله معتقدند در عمل، این تغییر نام تقریباً بی‌معنی است. جولانی شکی باقی نگذاشت که گروهش، تحت هر نامی که باشد، ایدئولوژی الهام‌گرفته از القاعده خود را حفظ می‌کند. اعلامیه او با ستایش گسترده از القاعده، رهبری کنونی آن و اسامه بن‌لادن (در آن زمان) همراه بود و او قول داد که هیچ انحرافی از دکترین‌های موجود استاندارد نداشته باشد. البته برخی دیگر از نویسندگان برای اینکه بتوانند این تطهیر را مقدمه‌سازی کنند آورده‌اند معتقدیم که تحریرالشام تغییرات اساسی داشته و از شاخه اصلی گروه القاعده به نوعی جدا شده است (Ajjoub, 2021).

در خصوص جبهه النصره سابق نیز اگر بخواهیم صحبت کنیم تحقیقات نشان می‌دهد که نوسان النصره بین میانه‌روی و رادیکالیسم در کل هدفمند بوده یا حداقل توسط ایدئولوگ‌ها و استراتژیست‌های این سازمان با دقت مدیریت می‌شد (Kassir, 2024:1-3). در سند ملی دولت ایالات‌متحده آمده است محمد جولانی یکی از فرماندهان نظامی شناخته شده در سوریه است، او بنیان‌گذار حیات تحریر الشام است که قبلاً به‌عنوان جبهه النصره شناخته می‌شد. لازم به ذکر است که او از زمان آغاز درگیری در سوریه در سال ۲۰۱۱ نقش برجسته‌ای داشته است و به دلیل ارتباطش با القاعده در آغاز آن به‌عنوان یک شخصیت بحث‌برانگیز شناخته می‌شد.

یافته‌های این پژوهش بر اساس مطالعات جدید درباره مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح، مشروعیت‌بخشی به گروه‌های تروریستی و نمونه تحریرالشام در سوریه تنظیم شده است. یافته‌ها در چهار محور زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

- فرآیند تفکیک مخالفان سیاسی از معارضین مسلح

- تمایز مفهومی و عملی میان گروه‌های معارض: مخالفان سیاسی، گروه‌هایی هستند که در چارچوب قانون اساسی و قوانین بین‌المللی فعالیت می‌کنند و از ابزارهای اعتراض‌های مدنی، رسانه‌ها، احزاب سیاسی و انتخابات برای تغییرات سیاسی و اجتماعی بهره می‌برند (Elsayed, 2024). معارضین مسلح، گروه‌هایی هستند که با توسل به خشونت، جنگ‌های

چریکی، عملیات نظامی و تروریستی به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی و تغییرات ساختاری در حکومت هستند (Altaweel, 2022). چالش اصلی پژوهش این است که برخی گروه‌های مسلح، با تغییر استراتژی‌های خود، تلاش کرده‌اند مرز میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح را کمرنگ کنند (Al-Tamimi, 2017).

- شاخص‌های عملی برای مرزبندی میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح اهداف گروه‌ها:

- مخالفان سیاسی: تغییرات تدریجی در چارچوب سیستم حکومتی.
- معارضین مسلح: سرنگونی نظام حاکم با استفاده از خشونت.

روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده:

- مخالفان سیاسی: اعتراضات مسالمت‌آمیز، فعالیت رسانه‌ای، مشارکت در انتخابات.
- معارضین مسلح: استفاده از عملیات نظامی، ترور، حملات انتحاری و جنگ‌های چریکی (Al Kassir, 2021)

میزان پایبندی به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر:

- مخالفان سیاسی: پایبند به اصول حقوق بشری و قوانین بین‌المللی.
- معارضین مسلح: در بسیاری از موارد، ناقض حقوق بشر و مرتکب جنایات جنگی (Schlichte & Schneckener, 2015)

۴-۵. تحریرالشام و فرآیند مشروعیت‌بخشی به گروه‌های مسلح

- جدایی از گروه‌های افراطی برای کسب مشروعیت

یکی از مهم‌ترین راهکارهای تحریرالشام برای مشروعیت‌بخشی به خود، جدایی ظاهری از القاعده و تغییر گفتمان ایدئولوژیک بوده است (Drevon, 2024). این گروه با اعلام قطع ارتباط با القاعده و تأکید بر منافع ملی سوریه، تلاش کرده است تا خود را از برچسب تروریستی دور کند و به‌عنوان یک بازیگر داخلی سوریه معرفی شود (Keser & Fakhoury, 2025). با این

حال، تحقیقات نشان داده است که این تغییر موضع بیشتر تاکتیکی بوده و تحریرالشام همچنان به بسیاری از اصول سلفی جهادی پایبند است، اما در ظاهر سیاست‌های میانه‌روتری اتخاذ کرده است (Aldoughli, 2024).

- استفاده از راهبردهای حکومتی برای کسب اعتبار داخلی

تحریرالشام با تأسیس نهادهای اجرایی و ارائه خدمات عمومی در مناطق تحت کنترل خود در ادلب، سعی در نمایش یک حکومت کارآمد داشته است (Grant-Brook, 2023). این گروه تلاش کرده است با ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و امنیتی، اعتماد مردم را جلب کند و خود را به‌عنوان یک جایگزین مشروع برای دولت سوریه معرفی کند (Schwab, 2023). این اقدام‌ها از نظر تئوری مشروعیت سیاسی، می‌توانند به تحریرالشام در تغییر هویت خود از یک گروه شورشی به یک نیروی حکومتی کمک کنند (Winter, 2023).

- نقش رسانه‌ها و سیاست‌های بین‌المللی در تطهیر سیاسی تروریسم

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که رسانه‌های بین‌المللی بسته به سیاست‌های خارجی کشورها، نحوه بازنمایی تحریرالشام را تغییر داده‌اند (Bakkour, 2023). برخی رسانه‌های غربی، تحریرالشام را از یک گروه جهادی افراطی به یک گروه «اپوزیسیون میانه‌رو» تبدیل کرده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر همچنان آن را یک سازمان تروریستی می‌دانند (Zelin, 2023). به‌عنوان نمونه، شبکه‌های خبری مانند BBC و الجزیره، بسته به سیاست‌های خارجی کشورها، تصاویری متفاوت از تحریرالشام ارائه کرده‌اند (Bamber & Svensson, 2023).

- نقش حمایت‌های بین‌المللی در تغییر جایگاه تحریرالشام

تحریرالشام با تلاش برای برقراری ارتباط با برخی کشورهای منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی، سعی کرده است حمایت سیاسی و مالی جذب کند (Kaya, 2024). در برخی موارد، دولت‌های غربی از حمایت غیرمستقیم از این گروه خودداری نکرده‌اند، زیرا آن را به‌عنوان یک نیروی ضد ایرانی و ضد اسد در سوریه می‌بینند (Winter, 2023).

- تحریرالاشام به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی در نظام بین‌الملل

تحریرالاشام در ادلب، نهادهای اجرایی، پلیس محلی و نظام‌های حقوقی تأسیس کرده و خدمات اجتماعی ارائه می‌دهد (Grant-Brook, 2023). این گروه با ایجاد یک حکومت محلی، تلاش کرده است تصویر خود را از یک گروه شورشی به یک نیروی حکومتی تغییر دهد (Schwab, 2023). این راهبرد، بخشی از استراتژی طولانی‌مدت این گروه برای کسب مشروعیت بین‌المللی و امکان شرکت در مذاکرات سیاسی آینده سوریه است (Winter, 2023). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مرز میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح در بسیاری از موارد متغیر و قابل تغییر است. تحریرالاشام نمونه‌ای از گروه‌های مسلح است که با استفاده از استراتژی‌های تغییر هویت، حکمرانی محلی و تعامل رسانه‌ای، تلاش کرده از برجسب تروریستی فاصله بگیرد. رسانه‌ها و سیاست‌های بین‌المللی نقشی اساسی در مشروع سازی یا تخریب مشروعیت گروه‌های مسلح دارند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که سازمان‌های بین‌المللی، استانداردهای روشنی را برای تفکیک مخالفان سیاسی و گروه‌های مسلح تعیین کنند تا از سوءاستفاده از مفهوم تروریسم جلوگیری شود.

فرجام سخن

در این مقاله، با بررسی دقیق مفاهیم مخالفت سیاسی و معارضه مسلحانه، تلاش شد تا مرزهای روشن و مشخصی میان این دو مفهوم ترسیم شود. مخالفان سیاسی که در چارچوب قانون و با ابزارهای مسالمت‌آمیز به بیان اعتراض‌های خود می‌پردازند، بخشی ضروری از هر جامعه دموکراتیک و پویا هستند. مخالفان سیاسی افرادی هستند که در چارچوب قوانین و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه، به بیان دیدگاه‌ها، انتقادات و اعتراض‌های خود می‌پردازند. این گروه‌ها از ابزارهای مسالمت‌آمیز مانند فعالیت‌های رسانه‌ای، تشکیل احزاب، مشارکت در انتخابات، برگزاری تجمعات و استفاده از فضای مجازی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. مخالفت سیاسی، به‌ویژه در جوامع دموکراتیک، نه تنها مجاز است، بلکه به‌عنوان بخشی ضروری از فرآیند توسعه سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شود.

این در حالی است که معارضین مسلح، با توسل به خشونت و اقدام‌های تروریستی، نه تنها نظم عمومی را مختل می‌کنند، بلکه امنیت و حقوق اساسی شهروندان را نیز به خطر می‌اندازند. تطهیر سیاسی تروریسم، به‌ویژه از سوی برخی جریان‌های فکری یا سیاسی، نه تنها مشروعیتی کاذب به اقدام‌های خشونت‌آمیز می‌بخشد، بلکه باعث تضعیف مبارزات قانونی و مشروع مخالفان سیاسی می‌شود. در قالب این جستار پژوهشی به نوعی بازهم تأکید می‌کند که هرگونه تلاش برای توجیه یا تطهیر تروریسم تحت هر عنوانی، غیرقابل قبول است و باید به‌طور قاطعانه با آن برخورد شود. ضرورت دارد که جامعه بین‌المللی و نهادهای داخلی با ایجاد سازوکارهای شفاف و عادلانه، به‌طور دقیق میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح تمایز قائل شوند. این تمایز نه تنها از حقوق شهروندان برای بیان آزادانه عقایدشان حمایت می‌کند، بلکه مانع از سوءاستفاده گروه‌های تروریستی از فضای سیاسی برای پیشبرد اهداف خشونت‌بارشان می‌شود. تنها از این طریق می‌توان به حفظ امنیت و ثبات جامعه کمک کرد و از ارزش‌های دموکراتیک دفاع کرد. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، تلاش برخی گروه‌ها یا جریان‌های سیاسی برای تطهیر اقدام‌های تروریستی و معرفی آن‌ها به‌عنوان مبارزات مشروع سیاسی است. این تطهیر سیاسی تروریسم، اغلب با استفاده از شعارها و گفتمان‌های احساس‌برانگیز انجام می‌شود و می‌تواند باعث سردرگمی افکار عمومی و حتی نهادهای بین‌المللی شود. برای مثال، برخی گروه‌های تروریستی خود را به‌عنوان «مبارزان آزادی» یا «مدافعان حقوق بشر» معرفی می‌کنند، در حالی که اقدام‌های آن‌ها کاملاً در تضاد با این ارزش‌ها است. از سوی دیگر، برخی حکومت‌ها نیز ممکن است با سوءاستفاده از مفهوم تروریسم، مخالفان سیاسی مسالمت‌جو را به ناحق در زمره معارضین مسلح قرار دهند و به سرکوب آن‌ها بپردازند. این اقدام‌ها نه تنها حقوق بشر را نقض می‌کند، بلکه باعث تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی می‌شود.

به صورت کلی می‌توان گفت تحقیق حاضر به بررسی امکان‌سنجی مرزبندی مشخص میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح، با تأکید بر نفی تطهیر سیاسی تروریسم در مدل تحریرالاشام سوریه پرداخته است. در این راستا، تحلیل‌های نظری و تجربی متعددی در خصوص رابطه پیچیده میان تروریسم، معارضین مسلح و تروریسم سیاسی در منطقه سوریه صورت گرفت. نتایج این پژوهش، با توجه به ارزیابی‌ها و مقایسه‌ها، به چند نکته اساسی در خصوص وضعیت

تحریرالشام در سوریه اشاره دارد: اولین نتیجه مهم این تحقیق نشان داد که مرزبندی بین مخالفان سیاسی و معارضین مسلح در برخی موارد در شرایط خاص به شدت مبهم و پیچیده است. از آنجا که تحریرالشام، به‌عنوان یکی از گروه‌های برجسته مسلح در سوریه، نه تنها از ملاحظات سیاسی بلکه از نگرش‌های ایدئولوژیک و امنیتی نیز برخوردار است، این موضوع مرزبندی‌ها را بسیار دشوار کرده است. در واقع، بسیاری از گروه‌های مخالف سیاسی که در ابتدا خود را از خشونت و اقدام‌های مسلحانه برکنار می‌دانستند، به مرور به سمت استفاده از زور و اقدام‌های شبه‌نظامی گرایش پیدا کردند؛ دومین یافته این بود که در مدل تحریرالشام، چالش‌هایی برای تطهیر سیاسی تروریسم وجود دارد. گروه‌های مسلح و به‌خصوص تحریرالشام، به رغم تلاش‌هایی برای ایجاد مشروعیت در افکار عمومی، نتوانسته‌اند از اتهام‌های تروریستی‌رهایی یابند. از این رو، مفهوم «تطهیر سیاسی تروریسم» برای این گروه‌ها از لحاظ عملی به دشواری پیاده‌سازی شده است. این امر نشان‌دهنده پیچیدگی‌های سیاسی و ایدئولوژیک است که گروه‌های مسلح به‌ویژه در سوریه با آن مواجه هستند.

در نهایت، این تحقیق بر لزوم بازنگری در رویکردهای جامعه جهانی به معارضین مسلح و مخالفان سیاسی تأکید دارد. به‌ویژه در مناطقی مانند سوریه که در آن تحولات سیاسی و نظامی به شدت درهم‌آمیخته‌اند، مرزبندی‌های روشن و شفاف میان گروه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، تحقیق به سیاست‌گذاران و تحلیلگران بین‌المللی توصیه می‌کند که با توجه به ویژگی‌های خاص هر گروه، راهبردهای متفاوتی در مواجهه با گروه‌های مسلح اتخاذ کنند تا از تعمیق بحران و گسترش تروریسم جلوگیری کنند.

به طور کلی، این پژوهش نشان داد که تعاریف ثابت و قطعی در مورد مخالفان سیاسی و معارضین مسلح در مناطق جنگی به‌ویژه در بحران‌های پیچیده‌ای مانند سوریه وجود ندارد و نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق‌تری از هر گروه در هر دوره زمانی خاص دارد.

فلذا برای ایجاد مرزبندی دقیق میان مخالفان سیاسی و معارضین مسلح، راهکارهای زیر

پیشنهاد می‌شود:

- **تعریف شفاف مفاهیم:** باید تعاریف دقیق و موردتوافقی از مفاهیم مخالفت سیاسی، معارضه مسلحانه و تروریسم ارائه شود تا از سوءتفاهم‌ها و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود؛

- **تقویت نهادهای نظارتی:** نهادهای داخلی و بین‌المللی باید با نظارت دقیق بر فعالیت‌های گروه‌های مختلف، مانع از تطهیر تروریسم شوند؛
- **حمایت از مخالفان سیاسی مشروع شناسنامه‌دار:** باید از حقوق مخالفان سیاسی برای بیان آزادانه عقایدشان حمایت شود، در حالی که اقدام‌های خشونت‌آمیز به‌طور قاطعانه محکوم و مقابله شود؛
- **تعریف سازوکارها و همکاری‌های بین‌المللی صرفاً در قامت سازمان ملل متحد:** جامعه بین‌المللی باید با همکاری یکدیگر، چارچوب‌های حقوقی و امنیتی مشترکی برای مقابله با تروریسم و حمایت از مخالفان سیاسی مشروع ایجاد کند.

References

- ذوالفقاری، اکبر. (۱۴۰۲). فهم ریشه‌ها و علل آنومی سیاسی. فصلنامه علمی راهبرد سیاسی، ۷(۳).
- غفاری، هدی (۱۳۸۵). حقوق مخالفان سیاسی در حکومت امام علی (ع)، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، بهار و تابستان، شماره‌های ۴۱ و ۴۲.
- حیدری فرد، مهدی؛ پور قصاب امیری، علی (۱۴۰۰). جنگ جهانی علیه تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۵۴(۱).
- شاکری زواردهی، روح‌الله و مقدمی شهیدانی، سهراب. (۱۳۹۸). بازکاوی پروژه تطهیر پهلوی در منابع تاریخی منتشر شده در جمهوری اسلامی. فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸(۱).
- بیات، جلیل. (۱۳۹۸). تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر دگرگونی ماهیت گروه‌های تروریستی (با تأکید بر داعش و القاعده). فصلنامه آفاق امنیت، ۱۲(۴۴).

Ajjoub, O. (2021). HTS is not al-Qaeda, but it is still an authoritarian regime to be reckoned with. *Lund University Publications*. <https://lup.lub.lu.se/search/publication/b7b6d80d-7bd9-4731-ab79-a88396d4e22c>

Al Kassir, A. (2021). Change and continuity in the thought and praxis of Salafi-Jihadism: Studying the case of al-Nusra Front in Syria between 2012 and 2018. Birkbeck, University of London.

Aldoughli, R. (2024). *The End of the 'Revolution' but Not the Revolutionaries: Insights from Syrian Fighters. Conflict, Security & Development*. Taylor & Francis. Retrieved from Taylor & Francis

- Al-Tamimi, A. J. (2017). *The Hay'at Tahrir al-Sham-Al-Qaeda Dispute: Primary Texts (II)*. Middle East Forum. Retrieved from Middle East Forum
- Altaweel, R. (2022). *Military-Political-Social Roles of Islamist Opposition Armed Groups under the Weak State: The Case of Syria*. Chiba University. Retrieved from Chiba University
- Bakkour, S. (2023). *The Last Jihadist Battle in Syria: Externalisation and the Regional and International Responses to Hayat Tahrir al-Sham in Idlib*. Religions, MDPI. Retrieved from MDPI
- Bamber, M., & Svensson, I. (2023). *Resisting Radical Rebels: Variations in Islamist Rebel Governance and the Occurrence of Civil Resistance. Terrorism and Political Violence*. Taylor & Francis. Retrieved from Taylor & Francis
- Bøås, M., Osland, K. M., & Erstad, H. U. (2019). Islamic insurgents in the MENA region: Global threat or regional menace? Norwegian Institute of International Affairs (NUPI).
- Bruce, A. G. (2023, May 26). Definition of terrorism - Social and political effects JMVH. *JMVH*. <https://jmvh.org/article/definitionof-terrorism-social-and-political-effects>
- Chenoweth, E. (2010). Democratic competition and terrorist activity. *The Journal of Politics*, 72(1). <https://doi.org/10.1017/s0022381609990442>
- CNN. (2024, December 6). *Syria rebel forces Hayat Tahrir al-Sham al-Jolani*. <https://www.cnn.com/2024/12/06/middleeast/syria-rebel-forces-hayat-tahrir-al-sham-al-jolani-intl-latam/index.html>
- Denselow, J. (2017). The Syrian jihad: Al-Qaeda, the Islamic State and the evolution of an insurgency. *International Affairs*, 93(2). <https://doi.org/10.1093/ia/iiv024>
- Drevon, J. (2024). *Can Jihadis' Strategic Interests Trump Their Ideology? Foreign Support and Insurgent Survival in Syria*. *Studies in Conflict & Terrorism*. Taylor & Francis. Retrieved from Taylor & Francis
- Drevon, J., & Haenni, P. (2022). Redefining global jihad and its termination: The subjugation of Al-Qaeda by its former franchise in Syria. *Studies in Conflict and Terrorism*. <https://doi.org/10.1080/1057610x.2022.2058351>
- Elsayed, A. (2024). *Beliefs and International Legitimacy*. InIIS Academy. Retrieved from Academia.edu
- Executive Order 13224 - United States Department of State. (2025, January 13). *United States Department of State*. <https://www.state.gov/bureau-of-counterterrorism/executive-order-13224>
- Ghatak, S. (2023). Taming the beast: Democratic institutions and terrorist groups' involvement in civil war. *Terrorism and Political Violence*. <https://doi.org/10.1080/09546553.2023.2256399>

- Grant-Brook, W. (2023). *The State in Idlib: Hay'at Tahrir al-Sham and Complexity Amid the Syrian Civil War. Rebel Governance in the Middle East*, Springer. Retrieved from Springer
- Gupta, S., & Gupta, K. (2018). Durkheim's theory of anomie and the 2016 American election. *Journal of Global Economy*, 14(1). <https://doi.org/10.1956/jge.v14i1.484>
- Hand, A. W., & Saiya, N. (2022). Democracy's ambivalent effect on terrorism. *Journal of Conflict Resolution*, 67(7-8). <https://doi.org/10.1177/00220027221143967>
- How Hayat Tahrir al-Sham landed on U.S. terrorist lists—and why it should stay there for now. (2024). *The Washington Institute*. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-hayat-tahrir-al-sham-landed-us-terrorist-lists-and-why-it-should-stay-there-now>
- Ibish, H. (2016, August 18). Calling Al Qaeda's bluff. *Document - Gale AcademicOneFile*. <https://go.gale.com/ps/i.do?id=GALE%7CA460918457&sid=googleScholar&v=2.1&it=r&linkaccess=abs&issn=22699740&p=AONE&sw=w&userGroupName=anon%7Ebf865ee3&aty=open-web-entry>
- Ionescu, O., Tavani, J. L., & Collange, J. (2021). Political extremism and perceived anomie: New evidence of political extremes' symmetries and asymmetries within French samples. *International Review of Social Psychology*, 34(1). <https://doi.org/10.5334/irsp.573>
- Kassir, A. A. (2024). "Intentionality" in radical flank effects: Reflections on Al-Nusra Front's discourse of moderation between 2012–2017. *British Journal of Middle Eastern Studies*. <https://doi.org/10.1080/13530194.2024.2373079>
- Kaya, S. (2024). *Hay'at Tahrir al-Sham and Jabhat al-Nusra. Handbook of Terrorist and Insurgent Groups*. Taylor & Francis. Retrieved from Taylor & Francis
- Keser, A., & Fakhoury, F. (2025). *Hay'at Tahrir al-Sham (HTS) from an Insurgent Group to a Local Authority: Emergence, Development, and Social Support Base. Studies in Conflict & Terrorism*. Retrieved from HKU Open Access
- Kuzmenkov, V. A., & Soina, I. Y. (2021). Doublethink and anomie: Ethical and political context. *Cuestiones Políticas*, 39(69). <https://doi.org/10.46398/cuestpol.3969.15>
- Newman, E. (2006). Exploring the "root causes" of terrorism. *Studies in Conflict and Terrorism*, 29(8). <https://doi.org/10.1080/10576100600704069>
- Philipp, M., & Lutscher. (2016). The more fragmented the better?—The impact of armed forces structure on defection during nonviolent popular

- uprisings. *International Interactions*, 42(2).
<https://doi.org/10.1080/03050629.2016.1093476>
- Phillips, B. J. (2024). Threat perception, policy diffusion, and the logic of terrorist group designation. *Studies in Conflict & Terrorism*, Taylor & Francis.
- Prabha, K. (2000). Defining terrorism: Strategic analysis: A monthly journal of the IDSA.
https://ciaotest.cc.columbia.edu/olj/sa/sa_apr00prk01.html#note1
- Puryear, C., Kubin, E., & Gray, K. (2024, October 29). People overestimate political opponents' immorality. *Scientific American*.
<https://www.scientificamerican.com/article/people-overestimate-political-opponents-immorality>
- Schlichte, K., & Schneckener, U. (2015). *Armed groups and the politics of legitimacy*. Civil Wars, Taylor & Francis.
- Schwab, R. (2023). *Competitive Rebel Governance in Syria. Rebel Governance in the Middle East*, Springer. Retrieved from ResearchGate
- Turan, R. İ. (2024). US removes \$10M bounty on HTS leader following talks in Damascus. *AA*. <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/us-removes-10m-bounty-on-hts-leader-following-talks-in-damascus/3430469>
- Walker, C. P. (1984). Irish republican prisoners — Political detainees, prisoners of war or common criminals? *Irish Jurist (1966-)*, 19(2).
<http://www.jstor.org/stable/44027778>
- War and terrorism. (2023, October 7). *Manual for Human Rights Education With Young People*. <https://www.coe.int/en/web/compass/war-and-terrorism>
- Willmott, D. (2000). It's time to bring our political prisoners home. In *Palgrave Macmillan US eBooks*. https://doi.org/10.1007/978-1-137-10929-3_25
- Winter, C. (2023). *Reframing Jihadism: Deciphering the Identity, Politics, and Agenda of Hay'at Tahrir al-Sham in Northwest Syria*. Wiley Online Library. Retrieved from Wiley Online Library
- Yusof, S. H., Hassan, F., & Hassan, M. S. (2013). The framing of international media on Islam and terrorism. *European Scientific Journal*.
- Zelin, A. Y. (2023). *The Age of Political Jihadism: A Study of Hayat Tahrir Al-Sham*. Google Books. Retrieved from Google Books

